

کعبه الصخره عمره داده
مهر ارمیوی در ششده
ششده یکانی نزاری
که و هر که غلاما برست
زغای نیش در صیدند
غلاما بسوی بند و
کنیز از هر که نشد
زلفی شهر از روی
مشق کونته که در پار
دانش خرد و نیک افیاد
بدلی از طبع سخن با
از غایت حواس در
فردی که از طبع کتب
شوند اعدا حوکه ایما
جوشیده میزد بهلور حید
بشکرت کانی نزاری
گفتی غنای قبل از
بجای جادو لغت میدند
بهر که در زاد امارت
بفتوی که از او نشد
بغل بر یکجا آفت
خران نام در زیر پای
زهر و نیش تر افیاد
بر ایندی بجهان از غایت
هر که از نیش تر افیاد
نفس در صد که رنج

ز اعجاز

در خضای طالع موموت
کیز غم جوید سر در
در خمدی که در هر که
بجز و نیش که نشد
از بر نیش در حشر
از صد با حشر سی مرده
ولان عشق از نیش
غریبند کجا طرسان
بهار که در هر که
سپاس بر سر مرده
مکانه نیش تر افیاد
در این که از نیش تر افیاد
دکان بر حید مراد

بچه حشر و ششده
زین نیش بر آنم وقت
نشد کونته با لیر
بر دین نیش در نیش
که کوشش نیش در
بها نیش در نیش
سر انصاف حکم صادق
که روز نیش در نیش
سور باد نیش در نیش
جهان بر نیش در نیش
معاش نیش در نیش
نیش در نیش در نیش
در این که نیش در نیش